دوفصلنامه علمی ـ تخصصی گفتمان وحی
سال یازدهم/ شماره ۱۷ / بهار و تابستان ۱۳۹۹

Bi-quarterly Journal Specialized Guftman-e Wahy
Eleventh Year, No.17, Spring & Summer 2020

جایگاه و ویژگی‌های قرآن در نگاه امام خمینی قدس‌سره

□ عبدالمؤمن امینی *

چکیده

قرآن کریم در نگاه امام خمینی، دارای جایگاه والا بوده و از ویژگی‌های مهمی برخوردار است. این جستار به شیوه توصیفی و تحلیلی و با استفاده از آثار تفسیری امام خمینی، جایگاه قرآن و ویژگی‌های آن را، مورد بررسی قرار داده است. وی هرچند روش رایج میان مفسران را در تفسیر قرآن اختیار نکرده است ولیکن در تبیین معارف اخلاقی و توحیدی، دارای تبحر بوده و آشنا با رموز و اسرار قرآن است. امام، با نفی رویکرد جامعیت فراگیر قرآن این کتاب آسمانی‌را به ویژگی‌هایی چون جامعیت اعتدالی، جاودانگی و جهانی بودن تعالیم آن توصیف نموده و معتقد است که قرآن از مراتب معنایی فرامتنی برخوردار است و معارف انسان‌ساز آن در بطون آیات وحی چیدمان گردیده است که حتی بزرگ مفسران بارک بین قرآن از نیل به حقایق آن ناتوان بوده و از مقامات غیبی آن جز وجود اقدس جامع «من خوطب به» کسی دیگر آگاهی ندارد. ایشان، قرآن را، صورت اسم اعظم و همتای انسان کامل دانسته که در کسوت عبارات ظهور نموده است تا انسان را از جهان ماده رهانیده و به ملکوت برساند. از نظر امام، همه‌ی آیات قرآن از مراتب معنایی برخوردار است؛ اما برخی از آیات آن، دارای سطوح معنایی بیشتربوده و راه یابی به بطون آن اختصاص به افراد ژرف اندیش دارد.

واژگان کلیدی: قرآن، امام خمینی، جایگاه، ویژگی‌ها و نگاه.

---

*. در مقطع دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب (گرایش مذاهب اسلامی).

مقدمه

خداوند متعال، خالق و فرستنده‌ای کتابی است که تابشش هرگز به تیرگی نیالاید و تازگی‌هایش رنگ کهنگی به خود نمی‌گیرد. قرآن کریم، کلام الاهی بوده و خود را تبیان هر چیز معرفی نموده است «نحل/ ۸۹» و همواره برتارک اعصار درخشیده و با گذشت زمان است که حقایق، لطایف و اسرار آن با ژرف نگری و باریک بینی کشف می‌شود. قرآن مجید بزرگترین معجزه‌ای به جای مانده از آخرین پیامبر الاهی حضرت محمدﷺ است که سرچشمه جوشان احکام و تعالیم اسلامی و مدار و محور اتحاد و همبستگی امت اسلامی محسوب است. این اقیانوس بی‌کران آسمانی که به ژرفای حقایق آن نمی‌توان دست یافت و شگفتی‌هایش را پایانی نیست «نهج البلاغه، کلام ۱۸» و بر یکایک بینش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌های هر ملتی آیه‌ای از آیات آن قابل تطبیق بوده و راه گشای انسانهای تشنه‌ای معارف و حقیقت است. این مصحف نورانی، از آغاز نزول بر قلب‌های انسانهای آماده و پاک سرشت تابیده و تأثیر عمیق و وثیق گذاشت و روان آنان را سیراب، دلهایشان را بهاری ساخته و راه درست زیستن را برای آنان آموخته است.

دانش قرآن پژوهی از نظر تاریخی دوره‌های مختلفی را سپری نموده است و در هر عصر و زمانی مفسران و قرآن پژوهانی در جهان اسلام بوده‌اند که با استفاده از روشهای ادبی، روایی، کلامی، فقهی، اجتهادی و...، به بیان معارف و ویژگی‌های قرآن و تفسیر آیات وحی از زوایای مختلف پرداخته و مباحثی همچون کیفیت و شأن نزول، کاتبان وحی، تشخیص سوره‌های مکی و مدنی، نحوه جمع قرآن، تجوید و قرائتهای قرآنی، اعجاز کلام الاهی، نسخ، محکم و متشابه، تحریف و...، را جمع آوری نموده و مورد کاوش و تحلیل علمی قرارداده و آثار سترگ تفسیری و علوم قرآنی، به نگارش در آورده‌اند. از میان راه‌های مختلفی که برای فهم این کتاب بزرگ الاهی و شناخت ویژگی‌های آن، فراروی قرآن شناسان قرار دارد، نزدیک‌ترین و برترین راه، بهره‌گیری از بیانات نورانی خود قرآن است و این روش نیکویی است که مفسران امامیه، مانند علامه طباطبایی، با الهام گیری از ائمه اهل بیت‌علیهم‌السلام این طریقه را، در تفسیر کلام وحی پیموده‌اند؛ اما باید دانست که حق قرآن بر مفسران و دانشمندان قرآن شناس اسلامی بیش از آن

است که با این تلاش‌ها فکری و تفسیری ادا شود. امام خمینی ﷺ نیز یکی از قرآن شناسان عصر حاضر است که سالیان متمادی معتکف آستان این رشحه‌ای رحمانی بوده و با طهارت روح و رهایی از اسارت نفس، با تلاوت کلام الاهی انس داشته و از اقیانوس بی‌کران مفاهیم آن بهره‌ها اندوخته و بخش از آنچه را که دریافته است، در آثار فاخر علمی مکتوب و غیر مکتوب خویش به دیگران به یادگار گذاشته است. حضرت امام ﷺ فقیه متأله و مفسر نکته سنجی است که هرچند در زمینه علوم قرآن اثر مستقلی به «استثنای تفسیر ناتمام سوره حمد» ندارد و در تفسیر آیات قرآن، روش مرسوم در میان مفسران را اختیار نکرده و با تمسک به سیاق که در تألیفات دانش تفسیر رایج است، کمتر سخن گفته است؛ اما این مفسر آشنا به رموز کلام الاهی، در پی کشف و بیان حقیقت و اسرار قرآن بوده‌اند و از همین روی در نگاشته‌های ارزشمند علمی وی، عناوین مطرح در کتابهای علوم قرآنی مانند بحث جمع آوری قرآن، تجوید و شأن نزول آیات و رسم الخط آن و...، وجود ندارد و با این حال در لابلای آثار گرانسنگ علمی امام ﷺ معارف مانند فهم قرآن، اوصاف و ویژگی‌های آن و آموزه توحید و اسما و صفات الاهی و...، دیده می‌شود که در دیگر کتابهای علوم قرآنی کمتر بدان پرداخته شده است.

با در نظر داشت نکته یاد شده، اندیشه‌های امام ﷺ در بسیاری از رشته‌های علوم اسلامی همچون فقه، اصول، سیاست، اخلاق و عرفان برای جامعه علمی و فرهنگی شناخته شده است؛ اما بلندای افق تفکرات اندیشه‌ای این مفسرعارف در پاره‌ای از عرصه‌های دانش اسلامی مانند تفسیر و قرآن پژوهی، کمتر مورد توجه واقع شده و ناشناخته مانده است. نگارنده در پژوهش حاضر بر آن است که با مراجعه به نگاشته‌های علمی امام ﷺ به بیان اهمیت جایگاه کلام الاهی پرداخته و پاره‌ای از ویژگی‌های قرآن را از نگاه این فقیه قرآن شناس، مورد بررسی قرار داده و بیان نماید.

پرسش تحقیق

مسئله اصلی در پژوهش حاضر به بررسی جایگاه و ویژگی‌های قرآن در نگاه امام خمینی ﷺ

مربوط می‌شود؛ از این رو پرسش محوری این است که قرآن در اندیشه‌ای امام خمینی‌ﷺ از چه جایگاهی برخوردار بوده و دارای چه ویژگی‌هایی است؟

فرضیه تحقیق

در ارائه فرضیه برای این مسئله می‌توان گفت که کلام الاهی در نگاه امام خمینی‌ﷺ نازله‌ای غیبی و مظهر رحمت مطلقه ذات باری بوده و حاوی والاترین معارف در حوزه‌های مختلف از جمله خداشناسی و معرفت به اسما و صفات الاهی، انسان شناسی و طبیعت با تمام مظاهر آن است. امام خمینی‌ﷺ در عین ارج نهادن به مجاهدت علمی قرآن پژوهان، تفسیر آیات وحی را برتر از اندیشه‌ای بشر دانسته و بر آن است که فهم جامع و کامل حقایق قرآن و احاطه‌ای علمی بر آن در امکان کسی نیست. وی معتقد به ویژگی‌های همچون جامعیت اعتدالی قرآن بوده و اظهار می‌دارد که قرآن مجید و سنت شامل همه دستورات و احکامی است که بشر برای سعادت و کمال خود بدان احتیاج دارد. به نظر امامﷺ قرآن یگانه کتاب آسمانی است که دارای پیام جهانی و جاودانه است و از انسجام ساختار و محتوای غنی و نظم منطقی خاصی برخوردار است. وی بر آن است که زبان قرآن زبان جامع و فراگیر بوده و برای هدایت بشر نازل گردیده است و با وجود حجیت و اعتبار ظواهر الفاظ کلام الاهی، دارای مفاهیم بطنی و مراتب معنایی فراوان است که هر قرآن پژوهی در صورتی که به ظاهر عبارات قرآن توقف نموده و به لایه‌های زیرین آن نرسیده و رموز آن را درک نکند، زمینه هلاکت خویش را فراهم نموده است.

مفهوم‌شناسی

از جمله مباحث مطرح در حوزه مسائل علمی و پژوهشی، تبیین واژه‌هایی است که در آن‌ها به کار می‌رود؛ از این رو در ابتدا لازم است واژه قرآن را، که از اصطلاحات کلیدی بحث محسوب می‌شود با رعایت جانب اختصار مورد بررسی قرار داده شود.

الف) قرآن

لفظ «قرآن» از ریشه «قرء» مصدر بوده و به معنای جمع گرفته شده و در لغت به معنای خواندنی است (ابن الأثیر، ۱۳۹۹، ج٤، ص ۳۲) این واژه در آغاز به صورت وصف در باره این کتاب الاهی به کار رفته و به تدریج جنبه‌ای علمیت پیدا نموده و در برخی از آیات وحی نیز به معنای خواندن اطلاق شده است. (زرکشی،۱۹۵۷م. ج ۱، ٣٤٦) شافعی این لفظ را اسمی جامد و غیر مشتق و علم ارتجال دانسته که خداوند آن را به عنوان اسم خاص همانند تورات و انجیل برای وحیی که برای نبی مکرم اسلامﷺ نازل فرموده، قرار داده است. (خطیب بغدادی، ١٤٢٢، ج۲، ص۹۰)؛ ولی اشعری، آن را مشتق و غیر مهموز و از «قرن الشیء بالشیء» و به معنای چیزی را به چیزی ضمیمه نمودن دانسته و اظهار داشته است که راز نامگذاری کتاب الاهی به قرآن، مقرون بودن آیات و سوره‌های آن به یکدیگر است؛ اما فراء، لفظ قرآن را بر گرفته از «قرائن» جمع قرینه می‌داند؛ زیرا آیاتش همانند یکدیگر بوده و برخی از آیات آن مؤیید و قرینه بر آیات دیگر محسوب می‌شود (سیوطی، ١٣٩٤، ج۱، ص ۸۷)؛ اما برخی از قرآن پژوهان، این لفظ را مشتق از «قرء» و صفت مشبهه و بر وزن فعلان، به معنای جامع دانسته‌اند که این کتاب الاهی، همه ثمرات کتابهای آسمانی پیشین را در خود جمع نموده است (زرکشی، ۱۹۵۷، ج۱، ص ۲۷۸) ولی عده‌ای دیگر، لفظ قرآن را مصدر مهموز و بر وزن رجحان و غفران و مشتق از «قرأ» و به معنای تلاوت دانسته‌اند که از باب تسمیه مفعول به مصدر مقروء و خوانده شده اطلاق شده است.

با بررسی رویکردهای یاد شده، می‌توان گفت که قول پنجم از دیگر اقوال برتر بوده و چنانکه زرقانی پس از رد سایر اقوال، همین رویکرد را ترجیح داده و اختیار نموده است. (صبحی صالح، ۲۰۰۰، ص ۱۸.)

اهمیت قرآن در نگاه امام خمینی‌ﷺ

امام خمینی‌ﷺ، یکی از فقهاء و مفسران جامع معقول و منقول جهان اسلام است که در

حوزه‌های مختلف علوم اسلامی همچون فقه، اصول، حدیث، تفسیر، کلام و حکمت، اخلاق و عرفان و...، دارای تبحر بوده و صدر نشین قله‌ی معارف و شهره آفاق است. وی در عرصه فرهنگ و اجتماع، پیوند علم و دین از یکسو و اتصال حلقه سیاست با دین از سوی دیگر از نوادر سده حاضر محسوب شده و اسلام شناس جامع الاطراف است. امام خمینی‌ﷺ قرآن کریم را، مائده ربانی و صورت اسم اعظم و همتای انسان کامل می‌داند که در کسوت عبارات و حروف در آمده است تا انسان را از جهان ماده رهانیده و به عالم ملکوت و مافوق آن برساند. این فقیه قرآن شناس در مورد اهمیت و عظمت کلام الاهی اظهار می‌دارد که «فهم عظمت هر چیز به فهم حقیقت آن است و حقیقت قرآن شریف الاهی، قبل از تنزل خلقیه و تطور به اطوار فعلیه از شؤون ذاتیه و حقایق علمیه در حضرت واحدیت است و آن حقیقت «کلام نفسی» است و این حقیقت برای احدی حاصل نشود به علوم رسمیه و نه به معارف قلبیه و نه به مکاشفه غیبیه، مگر به مکاشفه‌ای تامه‌ای الاهیه که برای ذات مبارک نبی ختمیﷺ در محفل انس «قاب قوسین» و بلکه در خلوتگاه سر مقام «او ادنی» حاصل شده است. (امام خمینی، ١٣٩٤، ص ١٨١)

امام خمینی‌ﷺ در اثر سترگ دیگری خویش، قرآن را جامع همه‌ی معارف و حقایق و اسما و صفات الاهی دانسته و بر آن است که هیچ کتابی آسمانی و غیر آن، مثل قرآن، به معرفی ذات خداوند و صفات حق تعالی نپرداخته است. وی معتقد است که «قرآن، جامع اخلاق و دعوت به مبدأ، معاد، زهد و ترک دنیا و رفض طبیعت و سبکبار شدن از عالم ماده و رهسپار شدن به سر منزل حقیقت است، بطوری که مثل آن متصور نیست، مع ذلک چون سایر کتب مصنفه مشتمل نشده بر ابوابی و فصولی و مقدمه و خاتمه و این از قدرت کامله منشی آن است که محتاج به این وسایل و وسایط در القای غرض خود نبوده و از این جهت می‌بینیم که گاهی با نصف سطر برهانی را که حکما با چندین مقدمات باید بیان کنند به صورت غیر شبیه به برهان، بیان فرموده است. (امام خمینی، ١٣٨٨، ص ٤٠). این شخصیت فرزانه که با نگاه عرفانی به آیات قرآن نگریسته و در نگاشته‌ای دیگر خویش، عظمت قرآن را به عظمت خالق

و آفریننده آن توصیف نموده و تصریح می‌کند که «بدان ای عزیز که عظمت هر کلام و کتابی به عظمت متکلم و کاتب آن است، و یا به عظمت مطالب و مقاصد آن است و یا به عظمت مرسل الیه و حامل آن است و یا به عظمت وقت ارسال و کیفیت آن است. و بعض از این امور ذاتا و جوهرا در عظمت دخیل است و بعضی عرضا و بالواسطه، و بعضی کاشف از عظمت است و جمیع این امور که ذکر شد، در این صحیفه‌ای نورانیه به وجه اعلی و اوفی موجود و بلکه از مختصات آن است که کتاب دیگری را در آن یا اصلا شرکت نیست و یا به جمیع مراتب نیست (امام خمینی، ۱۳۹٤، ص ۱۸۲- ۱۸٤.)

امام خمینی قدس سره، در لابلای آثار عرفانی و اخلاقی خویش، به بیان اهمیت کتاب الاهی پرداخته و آن را مستجمع همه‌ای کمالات و مظهر رحمت احدیت و تجلی جمال و جلال حق تعالی می‌داند. این فقیه نامدار در کتاب (شرح دعای سحر) که از مهمترین آثار عرفانی وی محسوب می‌شود، قرآن نازل را همراه کتاب تکوین و قرآن ناطق و عدل آن دانسته که از جهان غیب و گنج پنهان الاهی با هفتاد هزار حجاب نازل شده است. (امام خمینی، ۱۳۷۱، ص ۵۹). این مفسر گرانمایه، با استناد به حدیث مأثور از امام باقر علیه السلام که می‌فرماید «ما یستطیع أحد أن یدعی أن عنده جمیع القرآن کله ظاهره وباطنه غیر الأوصیاء» کسی جز جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌توانند ادعا کنند تمام قرآن، ظاهر و باطن آن پیش آنهاست. (مازندرانی، ۱٤۱۵، ج۸، ص ٤۹۹) کتاب الاهی را، دارای مراتب سر و سر مقنع دانسته که تنزل داده شده و در قالب الفاظ و کلمات برای هدایت انسانها ظاهر گردیده است. (امام خمینی، ۱۳۸٤، ص ۱٦۵.) امام خمینی قدس سره در جای دیگر با استناد به سخن ارزشمند آیت الله شاه آبادی، استاد عرفانشان، معتقدند که «مواظبت به آیات شریفه آخر سوره حشر و تدبر در معنی آنها در تعقیب نمازها، خصوصا در اواخر شب که قلب فارغ البال است، خیل مؤثر در اصلاح نفس است. (امام خمینی، ۱۳۷۱، ص ۲۰۸). ایشان در جای دیگر، خطاب به عالمان متعهد و دانشگاهیان اهل تحقیق اظهار می‌دارد که «شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه‌ها و دانشگاه‌ها را، از توجه به شوونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته‌ای از آن را، محط نظر و مقصد اعلای خود قرار دهید» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج۲۰، ص ۲٦.)

بنابر این، با در نظر داشت بحث پیش گفته، روشن می‌شود که قرآن در نگاه و اندیشه‌ای امام خمینی‌ﷺ از اهمیت والایی برخوردار بوده و آن را تجلی تام اسما و صفات الاهی و رموزی میان حق متعال و رسول اکرمﷺ و جامع مباحث اخلاقی و تربیتی می‌داند که برای درمان دردهای کهنه جهان بشریت، نازل شده و تلاوت و انس با این کتاب وحیانی، جزو برنامه‌های روزانه امامﷺ بوده است. در ادامه بحث، به بیان رویکرد امام خمینیﷺ در باره پاره‌ای از اوصاف و ویژگی‌های قرآن کریم، پرداخته می‌شود.

الف) امام و جامعیت قرآن

متفکران اسلامی سده چهاردهم، همانند قدمای از دین پژوهان جهان اسلام، دعوت بازگشت به معارف قرآن را وجهه همت خویش قرار داده و به موضوع جامعیت قرآن پرداخته‌اند.آنان، قرآن را کتاب زندگی و راهنمای سعادت بشر در همه‌ی امور دانسته و یگانه راه نجات امت اسلامی را از عقب ماندگی و کسب مجدد عظمت عصر نخستین اسلامی، بازگشت به تعالیم قرآن می‌دانند. قرآن شناسان اسلامی از آغاز با استناد به دو آیه شریفه «**وَ نَزَّلْنا عَلَيكَ الْكِتابَ تِبْياناً لِكُلِّ شَيءٍ**» (نحل/ ۸۹) و ما این کتاب را که بیانی رسا برای هر چیزی است. و «**ما فَرَّطْنا فِي الْكِتابِ مِنْ شَيءٍ**» (انعام/ ۳۸) در این کتاب «قرآن» هیچ چیزی را فروگذار نکرده‌ایم. و دلایل دیگری مانند روایات دال بر مسئله بطون در قرآن، (حویزی، ۱۳۸۳، ج۲، ص ٧٤) برجامعیت و وجود همه‌ی علوم در این مصحف نورانی تأکید ورزیده و اذعان دارند؛ اما آنچه که محط بحث و اختلاف انظار است، قلمرو جامعیت قرآن است که به صورت گذرا بدان پرداخته می‌شود.

۱. جامعیت فراگیر و حد اکثری

عده‌ای از دین پژوهان همچون ابوحامد غزالی (غزالی، ۱۳۹۲، ج۱، ص ۲۸۹) جلال الدین سیوطی (سیوطی، ١٤١٩، ج۱، ص ۱۱۵) بدرالدین زرکشی (زرکشی، ١٤١٠، ج۲، ص ۱۸۱) قرآن را دارای جامعیت به معنای در برگرفتن علوم اولین و آخرین دانسته و اظهار داشته‌اند که این

کتاب الهی، مشتمل بر مسائل جزیی و کلی، انسانی و تجربی و تفصیل دهنده‌ای هر چیزی است. آنان با تمسک به دو جمله «**تِبْیاناً لِکُلِّ شَیءٍ**» و «**وَ تَفْصیلَ کُلِّ شَیءٍ**» شرح و بیان هر چیزی در آن است. (یوسف/۱۱۱) قرآن را مشتمل بر دانش‌های الاهی و تجربی دانسته‌اند. در عصر جدید، شیخ طنطاوی جوهری نیز (طنطاوی، ۱٤۱۲، ج۱۷، ص ۱۹) این رویکرد را به صورت افراطی پذیرفته و قرآن را کتاب علمی می‌داند که راه ترقی و صنعت و پیشرفت را نشان داده و علوم مانند شیمی، فیزیک، جهان‌شناسی، خاک‌شناسی، نبات‌شناسی، پزشکی، هندسه و غیره در آن مطرح شده است. از میان عالمان امامیه، فیض کاشانی نیز به این اندیشه گرایش نشان داده و در مقدمه هفتم تفسیر وزین صافی «تفسیر الصافی» با استناد به دسته‌ای از روایات که آیات قرآن را دارای هفت و یا هفتاد بطن می‌داند، ناظر به همین جامعیت و فراگیری علوم اولین و آخرین در قرآن، تفسیر نموده است. (کاشانی، ۱٤۱٦، ج۱، ص ۹٤.)

۲. جامعیت اعتدالی

جمعی دیگری از مفسران همانند فخرالدین رازی (رازی، ۱٤۲۰، ج۲۰، ص ۹۸) فضل بن حسن طبرسی (طبرسی، ۱٤۱٤، ج٤، ص ٤۲) ابو اسحاق شاطبی (۱٤۱۷، ج۱، ص ۳۸۳) با دیدگاه یاد شده مخالفت ورزیده و معتقدند که مراد از مفهوم «تبیان» و جامعیت قرآن، ذکر کلیات و بیان احکام آخرت و مسائل جنبی مرتبط به هدایت انسانها است که برای سعادت و رشد معنوی آنها نقش دارد؛ بدین معنا که هر آنچه در هدایت و سعادت بشر مفید و تأثیرگذار است در قرآن بیان شده است. محمود آلوسی نیز همین رویکرد را تقویت نموده و اظهار داشته است که واژه «کل» در جمله «تبیانا لکل شیء» به معنای عمومیت نبوده و بلکه به معنای تفخیم و تکثیر است و در قرآن همه‌ی احکام و دستوراتی که متعلق در حوزه دین بوده و زمینه سعادت و کمال انسانها را فراهم می‌کند، وجود دارد. (آلوسی، ۱٤۰۵، ج۱۰، ص ۳۱٤).

همچنین، علامه طباطبایی رحمه الله، ملتزم به جامعیت اعتدالی قرآن شده و تبیان بودن قرآن را با دو شرط که یکی بیان مسائل مربوط به هدایت مردم مانند معارف متعلق به مبدأ و معاد،

اخلاق فاضله، شرایع الهی، قصص و مواعظ که قرآن بیانگر همه‌ی این امور است و دیگری هر آنچه که انسانها نیازمند بیان و توضیح آن باشند. پذیرفته است. وی معتقد است که خداوند در این کتاب آنچه را مربوط به هدایت مردم بوده، فرستاده و کمال و سعادت آدمیان را، همراه با اخلاق و تربیت جستجو نموده است. این مفسر حکیم، تصریح می‌کند، علوم تجربی، تاریخی و فلسفی که به هدایت انسان مرتبط نبوده و یا از اموری است که اگر در قرآن هم نباشد، بازهم مردم خود به آن واقفند از گستره‌ی مفهوم «**تِبْیاناً لِکُلِّ شَیءٍ**» خارج است. (طباطبایی، ١٤١٧، ج١٢، ص ٣٢٤). محمدبن جریر طبری نیز از مفسران اهل سنت بر دیدگاه اعتدالی درباره جامعیت قرآن، پای فشرده است. (طبری، ١٤٢٠، ج ١٤، ص ٢١٤)

امام خمینی‌ﷺ نیز از مفسران معاصر است که به جامعیت اعتدالی و نسبی قرآن معتقد بوده و آیات وحی را شامل همه‌ی دستورات و احکامی می‌داند که بشر برای سعادت و کمال خود به آن احتیاج دارند. وی با استناد به روایات یکی از ابواب کتاب (اصول کافی) تحت عنوان «باب الرد إلی الکتاب والسنة و ... جمیع ما یحتاج الناس إلیه إلا وقد جاء فیه کتاب أو سنة» مدعی است که قرآن «تبیان کل شیء» بوده و تمام احتیاجات مردم در کتاب و سنت بیان گردیده و روشنگر همه چیز و همه امور است. (امام خمینی، ١٣٥٦، ص ٢١.)

با تأمل در نگاشته‌های امام، می‌توان گفت که جامعیت قرآن از نگاه امامﷺ در حوزه هدایت و سعادت بشر معنا و تفسیر پیدا نموده و مقصود وی، از این جمله که قرآن «روشنگر همه چیز و همه امور است» بدین معناست که این کتاب آسمانی مربی آدمیان بوده و تأمین کننده نیازهای معنوی آنها در راه رسیدن به کمال و تعالی روحی از دنیا تا آخرت است. این عارف کامل، در جای دیگر با صراحت اعلام می‌دارند که «قرآن کتاب صرف، نحو، معانی و بیان، تاریخ و... صاحب این کتاب، سکاکی و شیخ نیست که مقصدش جهات بلاغت و فصاحت باشد، سیبویه و خلیل نیست تا منظورش جهات نحو و صرف باشد، مسعودی و ابن خلکان نیست تا در اطراف تاریخ عالم بحث کند و این کتاب چون عصای موسی‌علیه‌السلام و ید بیضای آن سرور و یا دم عیسی‌علیه‌السلام که احیای اموات می‌کرد، نیست که فقط برای اعجاز و

دلالت بر صدق نبی اکرمﷺ آمده باشد؛ بلکه این صحیفه الهیه، کتاب احیای قلوب به حیات ابدی، علم و معارف الهیه است. (امام خمینی،۱۳۷۰،ص ۱۹٤) ایشان در جای دیگر، قرآن را نسخه‌ی تربیت انسان و مشتمل بر تمام مصالح و حاوی همه‌ی نیازهای وی دانسته و اظهار می‌دارد که «قرآن کتاب تعمیر مادیت نیست، همه چیز است، انسان را به تمام ابعاد تربیت می‌کند، مادیات را قبول دارد که در پناه معنویات باشد و مادیات را به تبع معنویات قرار می‌دهد. (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج۵، ص ١٦) وی در فراز دیگری از سخنانش آیات قرآن را به اتصال دهنده معنویت به مادیت تفسیر و تحلیل نموده و می‌افزاید «قرآن در عین حالی که یك کتاب معنوی، عرفانی و آنطوری است که به دست ماها، به خیال ماها، به خیال جبرئیل امین هم نمی‌رسد، در عین حال یك کتابی است که تهذیب اخلاق را می‌کند، استدلال هم می‌کند، حکومت هم می‌کند و وحدت را هم سفارش می‌کند و قتال را هم سفارش می‌کند و این از خصوصیات کتاب آسمانی ماست که هم باب معرفت را باز کرده است تا حدودی که در حد انسان است و هم باب مادیات را و اتصال مادیات به معنویات را و هم باب حکومت را و هم باب خلافت را و همه چیز را» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج۱۷، ص ۲۵۲) این چهره‌ای فرزانه قرآنی، با ژرف نگری در آیات وحی، قرآن را معلم انسانها معرفی نموده و برآن است که «انسان همه چیز است و باید همه احتیاجاتش را قرآن تامین بکند. انسان یك اعجوبه‌ای است که همه عالم است و قرآن یك اعجوبه‌ای است که اداره انسان را به همه اقشار می‌کند، در عین حالی که فقیه درست می‌کند، حکیم درست می‌کند، فیلسوف درست می‌کند» (همان، ۱۳۸۹، ج۵، ص ١٦٨). امامﷺ در جای دیگر، قرآن را کتابی می‌داند که حتی تمام جزئیات احکام و شریعت در آن نیامده و اظهار داشته است که «قرآن کتاب احکام نیست، کلیات را، کلیات احکام را، اصولش را ذکر فرموده است» (همان، ۱۳۸۹، ج ۱۵، ص ٥٠٤.)

از آنچه سخن رفت این بحث معلوم شد که، امام خمینیﷺ همانند بزرگ مفسران چون طبرسی، رازی، علامه طباطبایی، معتقد به جامعیت اعتدالی قرآن بوده و آن را کتاب هدایت برای انسانها و حاوی همه‌ی معارفی می‌داند که بشر در حوزه‌ای ایمان و عمل بدانها نیاز دارد.

بر مبنای گفته‌ای آنان، قرآن، کتاب دائره المعارف علمی نیست که داده‌های آن با نظریه‌های متغیر علمی تطبیق داده شود و لیکن نمی‌توان کتمان نمود که در این کتاب الهی، اشارات مکرر به پدیده‌های طبیعی وجود دارد که این دسته از آیات علمی قرآن نه برای یادگیری علوم، بلکه به منظور تشویق مردم به آموزش علوم طبیعی و توجه به عظمت خلقت و در نهایت از باب نزدیک شدن آدمیان به خالق متعال است؛ بدین ترتیب با مقایسه‌ای سخنان امام﵀ و قرآن شناسان همانند غزالی که در پی یافتن تمام گزاره‌های علمی و معرفتی در قرآن است، دانسته می‌شود که تفاوت ماهوی میان تفکرات قرآنی آنان در حوزه قلمرو جامعیت کتاب الهی وجود دارد که امام﵀ گستره جامعیت قرآن را در حوزه هدایت و تربیت انسانها و اصلاح جامعه بشری، تفسیر نموده است و در مقابل غزالی و دیگران، قلمرو جامعیت قرآن را فراگیر و به معنای در بر گرفتن علوم اولین و آخرین و همه‌ی شؤنات هستی و در عرصه‌های مختلف دانسته‌اند.

ب) جاودانگی و جهانی بودن قرآن در نگاه امام خمینی﵀

یکی دیگر از اوصاف و ویژگی‌های قرآن در کنار جامعیت این کتاب آسمانی، جهانی بودن و جاودانگی گزاره‌های دینی و معرفتی آن است. جهانی بودن و همه شمولی تعالیم وحیانی این کتاب الهی را می‌توان به معنای فرازمانی و فرامکانی و عدم تأثیرپذیری آن از فرهنگ زمانه دانست. (دهخدا، ۱۹۳۱، ج۵، ص ٦٥٣٨) که این صحیفه‌ی نورانی به زمان خاص و یا ملت و گروهی ویژه، اختصاص ندارد و به فراخنا و پهنه‌ای حیات فردی و اجتماعی جامعه انسانی تا پگاه جهان ابدی و با همه‌ی اقوام و ملل و زبانها و نژادها به گفتگو پرداخته و برای تربیت و هدایت آنها برنامه دارد. جاودانگی قرآن با جامعیت و خاتمیت نبوت در ارتباط بوده و تمام انسانها در ادوار مختلف تاریخ پس از نزول وحی را در بر گرفته و هدف اصلی و نهایی آن هدایت و تهذیب انسان است. دسته‌ای از آیات قرآن کریم مانند آیه شریفه‌ای (من بلغ)، (تدبر) و (جهان شمولی که می‌فرماید «**وَ أُوحِيَ إِلَيَّ هذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ**» (انعام/ ۱۹) و این قرآن به من وحی شده است تا با آن شما و هر که را "که پیام آن" به او برسد بیم دهم. «**أَ فَلا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كانَ مِنْ عِنْدِ غَيرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فيهِ اخْتِلافاً كَثيرا**» (نساء/ ۸۲) آیا

در قرآن نمی‌اندیشند؟ و اگر از نزد غیر خدا می‌بود در آن ناسازگاری و ناهمگونی بسیار می‌یافتند. «**وَ ما أَرْسَلْناكَ إِلاَّ كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشيراً وَ نَذيراً وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لايعْلَمُون**» (سبأ/ ۲۸) و تو را نفرستادیم مگر برای همه مردم، مژده‌دهنده و بیم‌کننده، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. ظهور و دلالت بر جاودانگی معارف این کتاب الهی نموده و به شکست ناپذیری و جهان شمولی آموزه‌های آن اشاره دارد. و در این میان آیه شریفه (من بلغ) کوتاه ترین و رساترین و جامع ترین دلیل بر جاودانگی پیامهای قرآن کریم محسوب می‌شود که رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را همگانی توصیف کرده و گزاره‌های قرآنش را ابدی و تا پایان دنیا می‌داند. قرآن کریم از آن رو که در میان نژاد خاص و در یک منطقه محدود جغرافیایی پدیدار شده، با سایر کتب آسمانی همسان است و به منظور تعامل با عرب عصر جاهلی زبان خود را عربی مبین قرار داده و در قالب زبان آنان سخن گفته و سطح فکری جامعه جاهلی را رعایت نموده است؛ اما با این حال باورها و رفتار نادرست آنان را به نقد گرفته و نفی نموده است و پیام خود را به خاستگاه ظهور، منحصر نکرده و جهانیان را مخاطب ساخته و با تورات و انجیل کاملا متفاوت است و برای ترویج و انتقال آموزه‌های والای معنوی به تمام بشریت به کار رفته است؛ چنانکه دسته‌ای از آیات قرآن که دارای خطابات جهانی و بین المللی مانند «یا أیها الانسان» (بقره/ ۱٦۸)، «**إِنْ هُوَ إِلاَّ ذِكْرٌ لِلْعالَمين**» (تکویر/ ۲۷)، «**وَ ما هُوَ إِلاَّ ذِكْرٌ لِلْعالَمين** م (قلم/ ۵۲) «**إِلاَّ رَحْمَةً لِلْعالَمين**» (انبیاء/ ۱۰۷)، است، با صراحت تمام اعلام داشته که روی سخنش با جهانیان است و این خود دلیل بر این مدعاست که دستورات قرآن به زمانی دون زمانی اختصاص ندارد و بلکه جهان شمول بوده و همه‌ی جوامع بشری را پوشش داده و به و فراگیر بودن گستره‌ای پیام قرآن دلالت دارد و تا روز رستاخیز ماندگار است.

جاودانگی و جهانی بودن معارف قرآن از ضروریات این کتاب آسمانی بوده و نیز اقتضای دین خاتم است؛ زیرا دینی که خود را خاتم ادیان و پیام آور خود را خاتم پیامبران، معرفی نموده است، (احزاب/ ٤۰) لازم و بایسته است که پیامهای آن فرازمانی و جاودانه باشد و برای همین است که زمینه تدبر و تفکر و کشف مفاهیم جدید، همیشه برای این دریای بی‌کران الاهی وجود

دارد و حقایق و گزاره‌های قرآن برای همه‌ی عصرها تازه بوده و اثر بخش و سازگار است. امام صادق علیه‌السلام با اشاره به طراوت و جاودانه بودن قرآن چنین فرموده‌اند که «**إن القرآن حی لم یمت، وإنه یجری کما یجری اللیل والنهار، وکما یجری الشمس والقمر، ویجری علی آخرنا کما یجری علی أولنا**» قرآن زنده است، و مرگ بدان راه ندارد، و بسان گردش شب و روز و آفتاب و ماه است و بر آخر ما جاری است همانگونه که بر اول ما جاری است. (مجلسی، ۱٤۰۳، ج۳۵، ص ٤۰٤) چنانکه آن حضرت در جای دیگر و در پاسخ به پرسشی فرمودند «لان الله تبارك وتعالی لم یجعله لزمان دون زمان، و لا لناس دون ناس، فهو فی کل زمان جدید، وعند کل قوم غض إلی یوم القیامة» خداوند قرآن را نه برای زمانی معین نموده و نه برای مردمی معین ساخته و بلکه برای همه‌ی زمانها و همه‌ی مردمان قرار داده است و پس او همه زمانی بوده و نزد هر قومی تازه است و مکرر نمی‌شود تا روز قیامت. (صدوق، ۱٤۰٤، ص ۹۱.)

دو ویژگی جهانی بودن و جاودانگی کلام الهی، در آثار حضرت امام خمینی رحمه‌الله نیز مورد تأکید قرار گرفته است. وی پیرامون جهانی بودن قرآن کریم، چنین آورده است «قرآن کریمی که سعادت همه بشر را بیمه کرده است» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ٦ ص ۱۰۱) این قرآن شناس فرزانه، در جای دیگر دارد که «قرآن مشتمل بر تمام معارف بوده و تمام مایحتاج بشر در آن است» (همان، ۱۳۸۹، ج ۲۰، ص ۲٤۹). ایشان در جای دیگر تصریح دارد که «اسلام برای یك کشور، برای چند کشور، برای یك طایفه، حتی برای مسلمین نیست، اسلام برای بشر آمده است، خطاب‌های اسلام (قرآن) «یا ایها الناس» است و همه‌ی بشر را اسلام می‌خواهد زیر پوشش عدل خودش قرار بدهد.(همان، ۱۳۸۹، ج ۱۱، ص ۲۹۵) امام رحمه‌الله قرآن را، کتاب قانون زندگی دانسته است که خداوند آن را برای تربیت همه‌ی مردم و در همه عصرها نازل نموده و برای سعادت بشر قانون و برنامه دارد؛ چنانکه می‌گوید «خداست که محیط بر همه چیزهاست، بر همه اعصار است قرآن است که کتاب همه اعصار است، دستورات رسول الله است که برای همه اعصار (همان، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۱۷۱) است. این مفسر حکیم در جای دیگر، جهانی بودن و جاودانگی قرآن را مورد تأکید قرار داده و برآن است که «باید بدانیم

حکمت آن که این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل کتاب برای یك عصر و یك ناحیه نیست و گمان نشود قصد ابراهیم و موسی علیهما السلام و محمد صلی الله علیه و آله مخصوص به زمان خاصی است. (همان، ۱۳۸۹، ج ۲۰، ص ۹۳) سخن حضرت امام قدس سره را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود که فراز نخست گفتار ایشان به جهانی و فرا مکانی بودن قرآن ناظر است و بخش پایانی سخن وی بیانگر جاودانگی و فرازمانی بودن قرآن است.

حضرت امام قدس سره در جای دیگر از جمله دلایل فرازمانی و فرامکانی بودن قرآن را، تجلی اسماء و صفات خداوندی دانسته که از زمان و مکان فراتر است؛ چنانکه اظهار می‌دارد «ذات مقدس حق تعالی که غیب است و در عین حال ظاهر است، مستجمع همه کمال به طور غیر متناهی است، در رسول اکرم صلی الله علیه و آله متجلی است به تمام اسماء و صفات و در قرآن متجلی است به تمام اسماء و صفات» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج۱، ص ۲٤) قرآن کریم، خود آنجا که انسانها را به تفکر در طبیعت و وجود خود (آل عمران/۱۹۱) و نیز در کتاب آسمانی (نحل/٤٤) دعوت کرده است، در واقع اعلام کرده است که کتاب تکوین و جان آدمی به عنوان گل سرسبد کتاب تکوین بوده و نیز قرآن به عنوان کتاب تشریع، تجلیگاه اسماء و صفات الهی است و انسان‌ها می‌توانند از رهگذر تفکر در این نشانه‌های بلند به سوی خدای خویش رهنمون شوند. این حکیم فرزانه، کتاب الاهی را صورت اسم اعظم خداوند دانسته و تصریح می‌کند که «این کتاب شریف صورت احدیت جمع جمیع اسماء و صفات و معّرف مقام مقدس حق به تمام شؤون و تجّلیات است و چنانچه انسان کامل نیز صورت اسم اعظم و جلوه تام حق تعالی است و قرآن هم همانطور است و قرآن هم جلوه تام خدای تعالی بوده و با همه اسما و صفات تجلی کرده است» (امام خمینی، ۱۳۹٤، ص ۳۲۱.)

از مباحث گذشته معلوم شد که قرآن کریم بر مبنای دسته‌ای از آیات وحی و سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام کتابی است که از دو ویژگی جهانی و فرازمانی برخوردار بوده و پیامهای

قرآن اختصاص به زمانی دون زمانی ندارد و این دو خصوصیت در آثار تفسیری و سخنان امام خمینی‌ﷺ مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. این فقیه قرآن شناس، کتاب وحی را تجلیگاه اسماء و صفات ذات باری دانسته و تعالیم و خطابات آن را، جهانی و ناظر به همه‌ی عصرها توصیف نموده که برای هدایت و تربیت جهان بشریت، در همه‌ی اعصار برنامه دارد و گزاره‌های آن تازه و در همه‌ی حوزه‌های فردی و جهانی اثر بخش و تأثیرگذار است.

ج) امام خمینی‌ﷺ و مراتب معنایی آیات قرآن

دیگر از اوصاف و خصوصیات قرآن، مراتب معنایی و مفاهیم فرامتنی کلام الهی است. سطوح مختلف لطائف و اشارات قرآن، یکی از مباحث مهم علوم قرآنی بوده و در اصطلاح دانش قرآن به کلیه‌ای مفاهیمی که در ورای ظواهر آیات نهفته باشد، بطن نامیده می‌شود. بحث مراتب معنایی آیات وحی به رغم اهمیت و ضرورت آن، در مباحث علوم قرآنی کمتر مورد توجه قرآن پژوهان بلند آوازه‌ای مانند سیوطی (۹۱۱م) و بدرالدین زرکشی (۷۹٤م) قرار گرفته است و تنها در لابلای مباحث دیگر علوم قرآن به صورت جسته و گریخته، مطرح گردیده و فصل مستقلی برای آن باز نشده است.

واژه بطن، جمع آن أبطن، بطون و بطنان، در برابر ظهر و آشکار بوده و در لغت به معنای جوف و درون چیزی اطلاق شده و به هر امر پوشیده و غامضی، بطن گفته می‌شود. (ابن منظور، ۲۰۰۷، ج۱، ص ٤۳۳). این واژه در اصطلاح برخی از مفسران همچون شیخ طوسی و آلوسی، با استناد به دسته‌ای از روایات منقول از فضیل بن یسار و ابن عباس که می‌فرمایند «ظهر و بطن هو تأویلها، منه ما قد مضی، ومنه ما لم یجئ» مراد از لفظ «ظهر» معنای ظاهری لفظ بوده و منظور از «بطن» تأویل آن است که بعضی از آن گذشته و قسمتی دیگر از تأویل هنوز نیامده است را. به معنای تأویل و اسرار آیات دانسته‌اند. (شیخ طوسی، ۱٤۰۹، ج۱، ص۹؛ آلوسی، ۱٤۰۵، ج۱، ص۷)؛ اما عده‌ای دیگر لفظ تأویل را به معنای فهم معانی و خطابات آیات قرآن تفسیر نموده‌اند. (فیض کاشانی، ۱٤۱۸، ج۱، ص۲۹؛ مناوی، ۱٤۱۵، ج۳، ص۷۱). در این میان آقا ضیاء الدین عراقی و محمد حسین ذهبی، رویکرد این که لفظ «بطن» به معنای راه یافتن به مصادیق مخفی آیات وحی

باشد را برگزیده‌اند که وجود این مصادیق منحصر به اقوام پیشین نبوده و شامل نسلهای پس از آن نیز می‌شود. (عراقی، ۱٤۰۵، ج۱، ص۱۱۷؛ ذهبی، ۱۳۹٦، ج۲، ص ۳٥٤) علامه طباطبایی، باطن آیات را، معنایی می‌داند که در زیر پوشش ظاهر قرار گرفته است و چه یک معنا باشد و یا این که بیشتر از یک معنا و خواه نزدیک به معنای ظاهر الفاظ بوده و یا دور ازآن قرار داشته و محتاج به قرینه است. (علامه طباطبایی، ۱٤۱۷، ج۳، ص ۷٤.)

دقت و ژرف نگری در آثاری تفسیری موجود، هر قرآن پژوهی فرزانه‌ای را، به این حقیقت رهنمون می‌سازد که میان تفاسیر کلام الاهی از نظر سطوح ژرفا و عمق معنایی، اختلافات زیادی وجود دارد. مراتب معنایی و مدالیلی که در تفاسیری سترگ همچون «المیزان»، «المنار»، «مفاتیح الغیب»، و تفسیر ملاصدرا، دیده می‌شود، هرگز در تفاسیری همچون «جامع البیان» طبری، «المحررالوجیز» ابن عطیه‌ی اندلسی، دیده نمی‌شود. برای مثال، عموم مفسران از شرح و تفسیر آیات شریفه‌ای مانند «**إِلَيهِ يصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يرْفَعُه**» سخن نیکو و پاك به سوی او بالا می‌رود و کردار نیك و شایسته آن را بالا می‌برد (فاطر/۱۰) و «**أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَسالَتْ أَوْدِيةٌ بِقَدَرِها**» از آسمان آبی فروآورد پس رودهایی به اندازه خود روان شد (رعد/۱۷) و

هُوَ الَّذی أَنْزَلَ عَلَيكَ الْكِتابَ مِنْهُ آياتٌ مُحْكَماتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتابِ وَ أُخَرُ مُتَشابِهاتٌ فَأَمَّا الَّذينَ فی قُلُوبِهِمْ زَيغٌ فَيتَّبِعُونَ ما تَشابَهَ مِنْهُ ابْتِغاءَ الْفِتْنَةِ وَ ابْتِغاءَ تَأْويلِهِ وَ ما يعْلَمُ تَأْويلَهُ إِلاَّ اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ...؛ اوست آن خدای که این کتاب را بر تو فرو فرستاد. برخی از آن، آیه‌های محکم‌اند که آنها مادر و اصل کتاب‌اند و برخی دیگر متشابه‌اند؛ اما آنها که در دلشان کژی انحراف از راه راست آنچه را متشابه است پی می‌گیرند برای فتنه‌جویی و در جستن تأویل آن و حال آنکه تأویل آن را جز خدا نمی‌داند و آنان که در دانش استوارند گویند، ما بدان گرویده‌ایم، همه از سوی پروردگار ماست و این را جز خردمندان یاد نکنند و پند نگیرند. به صورت سطحی و سادگی گذشته‌اند.

اما در تفاسیری همچون «المیزان» مباحث عمیق و گسترده‌ای در بررسی این آیات منعکس شده است. (طباطبایی، ۱٤۱۷، ج ۳، ص ۱۳۲) و این امر عواملی دارد و یکی از این

عوامل، مراتب معنایی و حقایق درونی آیات وحی است. آیات و الفاظ قرآن، هرچند همه در مرتبه اعجاز بوده و از توان ایجاد بشر عادی خارج است؛ اما برخی از آیات وحی از عمق و ژرفای بیشتری برخوردارند که گاه به آنها غرر آیات قرآن گفته می‌شود و از سطوح و لایه‌های معنایی فراتر از مفاهیم ظاهری برخوردارند که مفسران بر اساس سطح توانایی خویش به بخشی از این لایه‌ها و مدالیل راه یافته و مفاهیم عمیقی را کشف و استنباط می‌کنند.

با تأمل به مجموعه‌ی رویکردهای تفسیری حضرت امام خمینی، نیز معلوم می‌شود که وی برای آیات قرآن، مراتب معنایی قائل بوده و بر آن است که، حقیقت قرآن در نخستین مرحله‌ای از پیدایش به مراتب فراتر از الفاظ و معانی کنونی بوده و با توجه به ظرفیت مخاطبان که انسانها در حصار طبیعت گرفتارند، از آن حقیقت آسمانی تنزل داده شده و به صورت الفاظ و عبارات کنونی ظاهر گردیده است. ایشان، نزول کتاب الهی را تا هفت مرتبه دانسته و تصریح می‌کند که رسول‌خدا ﷺ قرآن را نازلتا و منزلتا کسب کرده و در قلب مبارکش جلوه نموده و با نزول به مراتب هفتگانه، به زبان مبارکش جاری شده است و قرآنی که الان در دست ماست، نازله‌ای هفتم قرآن است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج۱، ص ۲٤۸). این عارف کامل، در تفسیر آیات اولیه‌ای سوره حمد، به مراتب معنایی قرآن تأکید ورزیده و فهم و کشف اسرار و رموز قرآن را دارای مراتبی چندگانه دانسته و معتقد است که مراتب مدالیل آیات قرآن، همان بطون قرآن است و برای حقایق ماورایی الفاظ قرآن کریم، هفت بطن و تا هفتاد بطن از برای آن است (امام خمینی، ۱۳۸٤، ص ۱۳۳.)

حضرت امام، در جای دیگر با تمسک به این دسته روایات که می‌فرماید «ان للقرآن ظهرًا وبطنًا وحّدًا و مطلعًا»، (نوری طبرسی، ۱٤۰۸، ج۱۷، ص۳۳۱) برای آیات قرآن اسرار باطنی و دلالتهای التزامی بیان داشته و اظهار می‌دارد که «فإنّ للقرآن منازل و مراحل وظواهر و بواطن، أدناها ما یکون فی قشور الألفاظ وقبور التعینات» برای قرآن منازل و مراحل و ظواهر و باطن‌هایی است که پایین ترین مرحله آن در پوسته الفاظ و گورهای تعینات قرار دارد، چنانکه در حدیث آمده است برای قرآن ظاهری و باطنی و حدی و مطلعی است. (امام

خمینی،۱۳۷۱، ص ۳۸). این شخصیت بی‌بدیل قرآنی، هشدار می‌دهد که متوقف ماندن در حد صورت و ظاهر قرآن باعث هلاکت است و چنانکه تصریح می‌کند «گمان مکن که کتاب آسمانی و قرآن فرو فرستاده ربانی همین پوسته و صورت است و بدان که ایستادن در حد صورت و ماندن در حد عالم ظاهر و نرفتن به مغز و باطن، مرگ و هلاکت است و ریشه تمام جهالت‌ها و پایه‌ای تمامی انکار نبوت‌ها و ولایت‌ها می‌باشد. (همان، ۱۳۷۱، ص ۵۹.)

مراتب معنایی و مفاهیم ژرف و عمیق گفته شده، ناظر به همه‌ی آیات قرآن بوده و این کتاب آسمانی به مثابه اقیانوسی است که معارف و حقایق الهی در لایه‌های زیرین آن با تفاوت سطوح معنایی جای داده شده است؛ اما دسته‌ای از روایات قرآنی مانند این روایت منقول از ابن حمید و از امام سجاد علیه السلام که می‌فرماید «**إن الله تعالى علم أنه يكون فى آخر الزمان أقوام متعمقون فأنزل الله تعالى " قل هو الله أحد الله الصمد " والآيات من سورة الحديد إلى قوله " و هو عليم بذات الصدور** " همانا خداوند متعال می‌دانست که در آخرالزمان کسانی از مردم ژرف اندیش و متفطن، خواهند آمد و پس از آن از امام سجاد علیه السلام در باره سوره توحید و آیاتی از سوره حدید، تا آیه «هو علیم بذات الصدور» پرسیدند، آن حضرت در پاسخ فرمود «خداوند متعال، سوره «قل هو الله احد» را فرو فرستاد، پس هر کس فزون از آن را اراده نماید، هلاک می‌شود. (مجلسی، ١٤١١، ج٣، ٢٦٤) استفاده می‌شود که برخی از آیات قرآن، افزون بر دارا بودن سطوح معنایی برابر با سایر آیات، از ژرفا و عمق بیشتری برخوردار است که دست یافتن به معارف و لطائف نهفته در آنها، بارک بینی و غوری به مراتب بیشتر از آیات دیگر نیازمند است.

براساس این روایت، برای سوره مبارکه توحید و آیات نخستین سوره حدید، عمق و ژرفای بسیار فزون تر از سایر آیات قرآن ترسیم شده است به گونه‌ای که ذهن و اندیشه‌ای تمام متفکران و باریک بینان جامعه‌ی بشریت از عصر نزول قرآن تا دوره پایانی جهان از دریافت عمق آن کوتاه است و تنها در آخرالزمان انسان‌های ژرف اندیش و با ضریب هوش بالا ظهور نموده و قادر به فهم آنها خواهند بود. حضرت امام، با تفطن به مفاد حدیث مورد بحث، اظهار داشته‌اند که

«فهم این آیات شریفه و این سوره مبارکه، حق متعمقان و صاحبان انظار دقیقه است و دقایق و سرایر توحید و معرفت در اینها مطوی است ...» (امام خمینی، ۱۳٦٦، ص ۳۰۲) این شخصیت فرزانه‌ای قرآنی، تصریح دارند که «واقعیت این آیات با همه‌ی تحقیقاتی که پیرامون آنها انجام گرفته، هنوز برای بشر روشن نشده است. ایشان معتقد است، آیاتی که در روایات ما وارد شده است که برای متعمقین آخرالزمان وارد شده است، مثل سوره «توحید» و شش آیه از سوره «حدید» گمان ندارم که واقعیتش برای بشر تا الآن و تا بعدها بشود آنطوری که باید باشد، کشف بشود؛ البته مسائل در این باب خیلی گفته شده است، تحقیقات بسیار ارزنده هم بسیار شده است، لکن افق قرآن بالاتر از این مسائل است». (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۸، ص ۲٦۱.)

همانطور که اشاره رفت، زمانی که قرآن دارای مراتب معنایی باشد، فهم و کشف معارف آن نیز به اقتضای تفاوت درک انسانها از لحاظ عمق و سعه‌ی وجودی آنها متفاوت بوده و این گفته در سخنان حضرت امام، بخوبی دیده می‌شود؛ چنانکه آن بزرگوار در ذیل آیه شریفه «**فَلَمَّا جَنَّ عَلَيهِ اللَّيلُ رَأى كَوْكَبا...**» پس چون تاریکی شب بر وی در آمد ستاره‌ای دید. (انعام/ ۷٦) اظهار می‌دارد که، مثلًا، اهل معرفت کیفیت سلوک و سیر معنوی حضرت ابراهیم علیه‌السلام را ادراک می‌کنند و راه سلوک الی الله و سیر الی جنابه را تعّلم می‌نمایند و حقیقت سیر انفسی و سلوک معنوی را از منتهای ظلمت طبیعت که به «**جَنّ عَلیه اللّیلُ**» در آن مسلک تعبیر شده، تا القای مطلق آنیت و انانیت و ترک خودی و خودپرستی و وصول به مقام قدس و دخول در محفل انس و دیگران از آن، سیر آفاقی و کیفیت تربیت و تعلیم جناب خلیل الرحمن آمت خود را، ادراک کنند، و بدین منوال، سایر قصص و حکایات، مثل قصه آدم علیه‌السلام، ابراهیم علیه‌السلام، موسی، یوسف، عیسی علیه‌السلام و ملاقات موسی و خضر که استفادات اهل معارف و ریاضات و مجاهدات و دیگران، هر یک با دیگری فرق دارد.» (امام خمینی، ۱۳٦٦، ص ۱۸۸). این قرآن شناس بی‌بدیل جهان معاصر، در جای دیگر، تفاوت ادراک متفکران را در حوزه معارف وحیانی، تنها به اهل معرفت و دیگران که نگاه غیر عرفانی به قرآن دارند، اختصاص نمی‌دهد و بلکه تصریح دارد که انسانها «به حسب مراتب وجودشان، به حسب مراتب کمالشان برداشت هایی دارند، لکن محدود

است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ٤٢٠). سخن ایشان در ذیل تفسیر سوره حمد در مورد عدم امکان احاطه‌ای علمی بشر به تمام معارف کلام الاهی چنین است که «قرآن یک کتابی نیست که بتوانیم ما یا کس دیگری یک تفسیر جامعی آن طور که سزاوار است بر آن بنویسد. علوم قرآن یک علوم دیگری است ماورای آنچه ما می‌فهمیم» (امام خمینی، ١٣٨٤، ص ٩٢ ٩٣) امام، با استناد به روایت امام باقر علیه السلام که خطاب به قتاده بن دعامه فرمود «إنمّا یعرف القرآن من خوطب به» قرآن را تنها کسی می‌فهمد که بدو خطاب شده است. (کلینی، ١٣٦٨، ج ٨، ص٢١٢) اذهان بزرگ مفسران و متعمقان به قرآن را، از درک همه‌ی معارف کتاب الاهی ناتوان دانسته و معتقد است «این کتاب آسمانی که صورت عینی و کتبی جمیع اسماء و صفات و آیات و بینات است و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع «من خوطب به» از اسرار آن کسی آگاه نیست ...» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۹۲)؛ بر این اساس، حقایق قرآن کریم بسان اقیانوس ژرف و بی‌کرانی می‌ماند که معارف آن در لایه‌های مختلف چیدمان گردیده است و کشف و فهم هر لایه آن منوط به درک لایه‌ای پیشین است. بنابراین آیات قرآن، از نگاه امام خمینی، دارای مراتب معنایی است که از آن در ادبیات روایات اسلامی به بطون قرآن یاد شده است. ایشان معتقد است که شاخص‌ترین قرآن پژوهان جهان اسلام، که غواصان این اقیانوس بی‌پایان معارف وحیانی محسوب می‌شوند، از نظر توان علمی، عمق اندیشه و شخصیت معنوی، دارای مقامات و حالات متفاوت بوده و در یک مرتبه‌ای از فهم و دانش قرار ندارند و هنگامی که در این کتاب آسمانی به کنکاش علمی و معرفتی می‌پردازند، هر کس به اندازه استحکام عصبی و قدرت فکری، به شگفتی‌هایی از حقایق و لطائف ربانی دست می‌یابند که برای دیگران پوشیده بوده و قابل درک نیست. این شخصیت قرآنی، با تمسک به دسته‌ای از روایات، برای آیات قرآن، مراتب و منازل معنایی قائل شده و بر آن است که احاطه‌ای علمی به همه معارف قرآن امر ناممکن بوده و راه یابی به تمام اسرار و حقایق آیات الاهی، اختصاص به وجود اقدس جامع «من خوطب به» داشته و دیگر متعمقان به قرآن، توان کشف همه‌ی معارف این کتاب آسمانی را ندارند.

نتیجه

با بررسی اندیشه‌ای امام خمینی، در زمینه اهمیت و ویژگی‌های قرآن کریم، این یافته به دست آمد که آن حضرت، هرچند روش رایج در میان مفسران را در تبیین آیات قرآن کریم اختیار نکرده است؛ ولیکن این فقیه متأله، مفسر بی‌بدیلی است که آشنا به رموز و اسرار نهفته در این کتاب آسمانی بوده و در مجموعه‌ی آثار فاخر علمی و تفسیری وی، معارف اخلاقی و تربیتی و مباحث مانند فهم قرآن، اوصاف و ویژگی‌های آن و آموزه توحید و اسما و صفات الهی، به وفور دیده می‌شود که در دیگر کتابهای علوم قرآنی، کمتر بدان پرداخته شده است. امام خمینی، قرآن کریم را به ویژگی‌هایی مانند جامعیت اعتدالی، جاودانگی و جهانی بودن توصیف نموده و معتقد است که کلام خداوند از مراتب معنایی عمیق فرامتنی برخوردار است و معارف ژرف و انسان‌ساز آن در لایه‌های مختلف و در بطون آیات وحی چیدمان گردیده است به گونه‌ای که اندیشه‌ای بزرگ مفسران بارک بین قرآن از نیل به حقایق و لطائف آن ناتوان بوده و از مقامات غیبی و اسرار آن جز وجود اقدس جامع «من خوطب به» کسی دیگر آگاهی ندارد. این شخصیت قرآنی، کتاب الاهی را، مائده‌ی ربانی و صورت اسم اعظم و همتای انسان کامل می‌داند که در کسوت عبارات و حروف در آمده است تا انسان را از جهان ماده رهانیده و به عالم ملکوت و مافوق آن برساند. وی، در عین ارج نهادن به آثار تفسیری قرآن پژوهان نامدار جهان اسلام، بر آن است که کشف معارف این مصحف نورانی به اقتضای تفاوت درک انسانها از لحاظ عمق و سعه‌ی وجودی آنها متفاوت بوده و افق حقایق قرآن بالاتر از مسائلی است که مفسران در تحقیقات علوم قرآنی خویش بدان دست یافته‌اند. امام، مراتب معنایی کلام الاهی را ناظر به همه‌ی آیات قرآن دانسته است و با این حال تصریح دارد که برخی از آیات قرآن، افزون بر دارا بودن سطوح معنایی برابر با سایر آیات، از عمق معنایی بیشتری برخوردار است که بر مبنای روایات وارده در این باب، کشف معارف نهفته در لایه‌های زیرین آنها، برای متعمقان در آخرالزمان اختصاص یافته است.

کتابنامه

آلوسی، شهاب الدین محمود (۱٤۰۵ق) **روح المعانی**، چاپ چهارم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

ابن الأثیر، مبارك بن محمّد (۱۳۹۹ق) **النهایة فی غریب الحدیث والأثر**، بیروت، المکتبة العلمیة.

ابن منظور، محمدبن مکرم (۱٤۱٤ق) **لسان العرب**، چاپ سوم، بیروت، دارالفکر.

امام خمینی، سید روح الله (۱۳٦٦) **آداب الصلوه**، مشهد، آستان قدس رضوی.

ـــــــــ، (۱۳۷۱ش) **شرح دعای سحر**، چاپ سوم، تهران، نشر اطلاعات.

ـــــــــ، (۱۳۷۱ش) **چهل حدیث**، چاپ اول، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

ـــــــــ، (۱۳۷۳ش) **ولایت فقیه**، چاپ اول، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

ـــــــــ، (۱۳۸٤ش) **تفسیر سوره حمد**، چاپ اول، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

ـــــــــ، (۱۳۸۹ش) **صحیفه نور**، چاپ پنجم، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

ـــــــــ، (بی‌تا) **کشف الاسرار**، قم، انتشارات مصطفوی.

خطیب بغدادی، أحمد بن علی (۱٤۲۲ق) **تاریخ بغداد**، چاپ اول، بیروت، دارالغرب الإسلامی.

ذهبی، محمد حسین (۱۳۹٦ق) **التفسیر و المفسرون**، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱٤۱۲ق) **المفردات فی غریب القرآن**، چاپ اول، بیروت، دار القلم الدار الشامیة.

زرکشی، بدرالدین (۱۹۵۷م) **البرهان فی علوم القرآن**، چاپ اول، بیروت، دار إحیاء الکتب العربیة.

سیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر (۱٤۰۷ق) **الإتقان فی علوم القرآن**، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.

صبحی، صالح (۲۰۰۰م) **مباحث فی علوم القرآن**، چاپ بیست و چهارم، بیروت، دار العلم للملایین.

صدوق، محمدبن علی (۱٤۰٤ق) **عیون أخبار الرضا**، چاپ اول، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

طباطبایی، سید محمد (۱٤۱۷ق) **المیزان فی تفسیرالقرآن**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

طبرسی، میرزا حسین (۱٤۰۸ق) **مستدرك الوسائل ومستنبط المسائل**، چاپ اول، بیروت، تحقیق مؤسسة آل البیت (ع) لاحیاء التراث.

طبری، محمدبن جریر (بی‌تا) **جامع البیان عن تأویل وجوه القرآن**، بیروت، دارالمعرفه.

طنطاوی، جوهری (بی‌تا) **الجواهر فی تفسیرالقرآن الکریم**، بیروت، دارالفکر.

طوسی، محمدبن حسن (۱٤۰۹ق) **التبیان فی تفسیرالقرآن**، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

عراقی، ضیاءالدین (۱٤۰٥ق) **نهایه الافکار**، قم، مؤسسه النشرالاسلامی.

غزالی، محمدبن محمد (بی‌تا) **احیاء العلوم**، بیروت، دارالمعرفه.

کاشانی، محمد حسن (۱٤۱۸ق) **الصافی فی تفسیرالقرآن**، چاپ سوم، تهران، مکتبه الصدر.

کلینی، محمّد بن یعقوب (۱۳٦۸ش) **اصول الکافی**، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الإسلامیة.

مازندرانی، محمد صالح (۲۰۰۰م) **شرح أصول الکافی**، بیروت، دار احیا التراث العربی.

مجلسی، محمد باقر (۱٤۰۳ق) **بحار الأنوار**، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الوفاء.

معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۷۷ش) **قرآن از دیدگاه امام خمینی**، چاپ دوم، قم، مؤسسه نشر آثار امام خمینی.